

۴۴. بررسی تأثیر اجرای مفاد بند «ب» ماده  
(۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه بر  
ورزش حرفه‌ای

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۵.....	مقدمه
۷.....	نحوه شکل‌گیری باشگاه‌داری دولتی در کشور
۸.....	وضعیت باشگاه‌داری در برنامه چهارم توسعه
۱۱.....	دیدگاه‌ها
۱۱.....	الف) نظرهای مبتنی بر نقاط ضعف بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه
۱۴.....	ب) نظرات مبتنی بر نقاط قوت بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه
۲۰.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۵.....	پیشنهادها
۲۷.....	منابع و مآخذ



## ۴۴. بررسی تأثیر اجرای مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه بر ورزش حرفه‌ای

### چکیده

گزارش حاضر با اشاره به حرفه‌ای‌گری در ورزش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و توسعه روزافزون این ورزش‌ها در سطح جهان (به‌علت جاذبه‌های خاص و بهره‌گیری برای تبلیغات صنعتی و درآمدزایی ناشی از آن در امور بازرگانی مرتبط)، به چگونگی اجرای ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری در دیگر کشورها پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ورزش‌های حرفه‌ای عمدتاً از طریق بخش خصوصی انجام می‌شود. باشگاه‌های مربوطه از طریق درآمدهای حاصل از پخش مسابقات از تلویزیون و انتشار سی‌دی و نوار، شرط‌بندی، تربیت و خرید و فروش بازیکنان، تبلیغات صنعتی، فروش البسه باشگاه مربوطه، آموزش و غیره کاملاً خودکفا شده‌اند.

ورزش حرفه‌ای در ایران از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳ با تصویب یک تبصره در قوانین بودجه (بند «چ» تبصره «۷») مبنی بر اجازه هزینه یک درصد (۱٪) اعتبارات دستگاه‌های اجرایی (اعم از جاری و عمرانی) برای ورزش پایه‌ریزی شد. درحالی که هدف از این قانون عمومی کردن ورزش و ایجاد تحرک و نشاط در کارگران و کارمندان بوده و نذری از تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی در آن نشده است. این قانون در برنامه چهارم توسعه در قالب بند «ب» ماده (۱۱۷) برای مدت پنج‌سال ضمانت



اجرا پیدا کرد و باعث رشد ناموزون ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری دولتی و عمدتاً تیم‌داری از محل یک درصد اعتبارات مذکور شد.

در ابتدا برخی از کارشناسان تصور می‌کردند که این نوع هزینه‌های دولتی سبب رشد و توسعه ورزش کشور خواهد شد و رتبه بین‌المللی ورزش کشور ارتقا می‌یابد. از این‌رو همواره تلاش در حفظ این روند و دفاع از ادامه کمک‌های مربوطه، داشته‌اند. درحالی که به‌علت نبود ضابطه مشخص و مصوب برای حرفه‌ای شدن ورزش، ورزش کشور نه تنها در میادین رسمی بین‌المللی مانند المپیک و مسابقات فوتبال باشگاه‌های آسیا با ناکامی همراه بوده است، بلکه خرید و فروش بازیکنان با قیمت‌های گزاف و صرف هزینه‌های هنگفت از بیت‌المال رفته رفته بیشتر شده است. همچنین به‌علت عدم توان رقابت بخش خصوصی و باشگاه‌های بزرگ و معتبر موجود، حضور آنان در ورزش حرفه‌ای مقدور نشده و به انزوا کشیده شده‌اند بلکه این روند با اصول حرفه‌ای‌گری در ورزش کاملاً مغایرت دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌دلیل نبود سقف اعتبار برای هزینه از محل یک درصد اعتبارات موضوع بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، (چون یک درصد اعتبارات برخی از شرکت‌ها و دستگاه‌های اجرایی مبلغ کلانی می‌شود)، بیشتر دستگاه‌های صنعتی به تیم‌داری و باشگاه‌داری پرداخته‌اند که مشکلات برخاسته از این نوع ورزش حرفه‌ای، حاصل صرف این اعتبارات است.

درباره ارزیابی اعتبارات یاد شده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که برخی مبتنی بر نقاط ضعف و برخی مبتنی بر نقاط قوت است. گروهی نیز با رویکرد عدم عملکرد مناسب این ماده قانونی، نگران حذف تسهیلات مذکور بوده و بیشتر به دنبال



طراحی راهکارهایی به منظور مطلوب‌سازی و جهت‌دهی به این اعتبارات در برنامه پنجم هستند. از عمده دیدگاه‌های مرتبط با نقاط ضعف، اعتقاد به نبود امکان نظارت بر هزینه‌ها، عدم پیشرفت و ارتقای بین‌المللی در میداين ورزشی رسمی، عدم تربیت داور و مربی و بازیکن توسط باشگاه‌ها، ایجاد پدیده‌های فساد، بداخلاقی و تضعیف امور فرهنگی به دلیل دسترسی آسان به پول، نبود مدیریت عملکرد، وجود مدیریت هزینه، ایجاد زمینه اختلاف مالی طبقاتی به خصوص در بین دیگر ورزشکاران در رشته‌های کم‌درآمد، شکل‌گیری تماشاگران ورزشی به جای ورزشکار و رشد چند رشته ورزشی به جای تمام رشته‌ها، را می‌توان نام برد.

نظراتی برخی کارشناسان مبتنی بر نقاط قوت قانون مذکور نیز بیشتر شامل هشدار پیرامون تعطیل شدن باشگاه‌های ورزشی در صورت حذف اعتبارات یاد شده، تضعیف تیم‌های ملی، عدم رونق ورزش در بین جوانان به علت عدم امکان درآمدزایی باشگاه‌های خصوصی و نبود امکانات لازم، به خصوص درآمد ناشی از پخش تلویزیونی مسابقات است. کارشناسان مذکور بر این عقیده هستند که تا زمانی که سازوکار لازم برای خصوصی‌سازی در ورزش پیش‌بینی سیاست‌های ورزش حرفه‌ای مشخص نشود، ادامه کمک‌های دولتی و باشگاه‌داری دولتی ضرورت دارد.

از دیگر نظرهایی که بیشتر نگران حذف کمک‌های دولتی از ورزش حرفه‌ای است. تکیه بر برقراری سیستم و نظام نظارتی برای عموم باشگاه‌های خصوصی و دولتی با رویکرد جلوگیری از ایجاد باشگاه‌های جدید و نیز واگذاری باشگاه‌های دولتی موجود به بخش خصوصی با ارائه تسهیلات کوتاه‌مدت و بازپرداخت بلندمدت. همچنین تدوین قوانین مورد نیاز برای خصوصی‌شدن باشگاه‌ها در قانون برنامه



پنجم و نیز برخورد با تبلیغات منفی کسانی که برای خصوصی‌سازی در ورزش مقاومت کرده و دیدگاه سنتی دارند، قابل توجه است. این افراد عقیده دارند چنانچه اعتبارات کلانی که از محل یک درصد اعتبارات بند «ب» ماده (۱۱۷) از درآمدهای عمومی، صرف تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی، برای تعدادی محدود می‌شود، در قالب قوانین بودجه سالیانه صرف ورزش مردم و عمومی کردن آن شود، آثار مفیدی به دنبال خواهد داشت و در آن صورت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نیز از طریق بخش خصوصی رشد خواهد کرد و اصول بین‌المللی آن نیز حفظ و از اعتراضات و مشکلات مجامع بین‌المللی مبنی بر دولتی شدن ورزش جلوگیری خواهد شد و در همین حال عدالت نیز رعایت می‌شود.

به‌طور کلی دیدگاه‌های مختلف کارشناسی اعم از موافق و مخالف و غیره در زمینه ضرورت خصوصی‌سازی ورزش حرفه‌ای و اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز سیاست‌های کلی نظام، هم‌عقیده هستند و ادامه این نوع کمک‌های دولتی [که با عدم امکان نظارت همراه است] را مانع از اجرای خصوصی شدن ورزش حرفه‌ای و منزوی شدن باشگاه خصوصی بزرگ و واقعی می‌دانند. لکن تغییر جهت از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب خصوصی را منوط به تدوین قوانین مصوب و تکلیف‌های قانونی و ایجاد بستر نظارت بر عملکرد اعتبارات (با ایجاد زمینه‌های لازم در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم) ذکر می‌کنند. لذا در گزارش حاضر سعی شده است با بهره‌مندی از نظرهای ارائه شده، پس از نتیجه‌گیری و جمع‌بندی، پیشنهادی لازم برای برون‌رفت از باشگاه‌داری و تیم‌داری دولتی بدون بروز مشکل برای ورزش حرفه‌ای و نیز



جلوگیری از بروز معضل در طول اجرای برنامه پنجم پیشرفت و عدالت ارائه شود تا در صورت پذیرش این پیشنهادها توسط مراجع تصمیم‌گیری، فعالیت‌های قانونمند و جدیدی در ورزش حرفه‌ای کشور با تأکید بر بخش خصوصی، صورت گیرد.

#### مقدمه

ورزش حرفه‌ای و شکل‌گیری آن از پدیده‌های اجتماعی قرن بیستم محسوب می‌شود که به علت جاذبه رقابت و برتری‌جویی، همواره مورد علاقه جوانان بوده و تدریجاً با صنعتی شدن جوامع، به عنوان یک وسیله و ابزار مورد بهره‌گیری اقتصادی قرار گرفته است. این نوع ورزش‌ها باعث تشکیل نهادهای اجتماعی و صنعتی فراوانی شده و شکل‌گیری باشگاه‌های ورزشی و ایجاد کارخانجات تولیدات ورزشی و نیز سود سرشار ناشی از برگزاری مسابقات، رشد روزافزون ورزش حرفه‌ای را باعث شده است و در کنار آن با رشد و توسعه وسایل ارتباطات جمعی و سیستم پیشرفته الکترونیکی، ورزش به صورت یک شغل و حرفه از کشورهای غربی به دیگر کشورها نیز سرایت کرده است. پخش رویدادهای ورزشی از طریق رادیو و تلویزیون و رسانه‌های مکتوب و انتشار سی‌دی و نوار و غیره سود فراوانی را متوجه صاحبان این نوع رسانه‌ها ساخته و علاوه بر آن با بهره‌گیری از تبلیغات وسیع، شرط‌بندی و برد و باخت‌های فراوان (که البته جنبه قمار دارد) رواج یافته است. در ضمن صاحبان صنایع مختلف و تولیدکنندگان، از آن بهره‌مند شده و برگزاری مسابقات ورزشی حرفه‌ای را وسیله‌ای برای شناساندن کالاهای خود و فروش بیشتر می‌دانند.



بنابراین با توجه به جاذبه‌های ورزش حرفه‌ای و سود فراوان آن، باشگاه‌های بزرگ ورزشی از طریق بخش خصوصی در کشورها ایجاد شدند و نظام باشگاه‌داری و حرفه‌ای‌گری در ورزش ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر پیدا کردند و دارای ضوابط و مقرراتی در سطح بین‌المللی شدند تا بر آن اساس فعالیت‌ها در سراسر جهان با یک ضابطه صورت گیرد و از این‌رو مسابقات در قالب جام‌های ورزشی قاره‌ها و کشورهای مختلف صورت گرفت و هر ساله دامنه آن نیز گسترش پیدا کرد.

این رشد روزافزون ورزش حرفه‌ای باعث شد تا اگر کشوری به آن نپردازد، جزء کشورهای عقب مانده محسوب شود. در واقع ورزش حرفه‌ای شاخصی برای توسعه به حساب آمد و نپرداختن به آن از نشانه‌های عقب‌ماندگی به‌شمار آمد.

با این تفکر، در ایران نیز تدریجاً اذهان به حرفه‌ای شدن ورزش معطوف شد و با به‌دست آمدن فرصت، سریعاً، (لکن به‌طور ناقص و غیراصولی و ضابطه‌مند)، به آن پرداخته شد که علت اصلی آن برغم روش دیگر کشورها، تزریق اعتبارات دولتی، به‌خصوص در برنامه چهارم توسعه است.

بنابراین در آستانه تدوین برنامه پنجم رشد و عدالت، ضمن آسیب‌شناسی موضوع و برای جلوگیری از وابستگی بیشتر ورزش حرفه‌ای به اعتبارات دولتی و ایجاد زمینه رقابت باشگاه‌های مطرح خصوصی، تصمیم به تهیه گزارشی در این زمینه شد تا مورد توجه مسئولان محترم و برنامه‌ریزان قرار گیرد و ورزش حرفه‌ای در کشور مانند دیگر کشورها با اصول و ضوابط حرفه‌ای‌گری از طریق بخش خصوصی انجام می‌شود.



## نحوه شکل‌گیری باشگاه‌داری دولتی در کشور

آغاز شکل‌گیری باشگاه‌داری دولتی سال ۱۳۸۲ است. در این سال تعدادی از نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی، تبصره‌ای را در قانون بودجه پیشنهاد و تصویب شد تا دستگاه‌های اجرایی بتوانند یک درصد اعتبارات جاری و عمرانی خود را صرف خدمات ورزشی و ایجاد اماکن ورزشی آن دستگاه کنند یا آنکه به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی کمک کنند. ضمناً مقرر شد فعالیت‌ها با سازمان تربیت بدنی هماهنگ شود و سیاست‌ها را سازمان مذکور تعیین کند و آیین‌نامه مربوطه نیز به تصویب هیئت وزیران برسد.

هدف اصلی نمایندگان وقت از تصویب تبصره مذکور به دلایل زیر بود:

۱. حفظ سلامت و نشاط کارکنان دولت با در نظر داشتن عدم تحرک کافی ناشی از کار یکنواخت یا پشت میزنشینی و کارهای زنجیره‌ای در کارخانجات.
  ۲. همگانی کردن ورزش از طریق در اختیار قرار دادن امکانات به قشر عظیم کارکنان دولت که توان مالی مناسب و وقت کافی برای پرداختن به ورزش را ندارند.
- در نهایت بند «ج» تبصره «۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور تصویب و در سال ۱۳۸۳ نیز در قانون بودجه اجرایی شد. لکن به علت نبود سقف اعتبار برای فعالیت‌های مختلف ورزشی و از یک‌سو و وجود اعتبارات کلان در شرکت‌های صنعتی از سوی دیگر، تیم‌داری در برخی از دستگاه شکل گرفت و بعضاً نیز نسبت به ایجاد باشگاه ورزشی اقدام کردند و با خرید و فروش بازیکنان به خصوص در رشته فوتبال، برگزاری لیگ‌های حرفه‌ای انجام شد که اکنون ادامه دارد.



## وضعیت باشگاه‌داری در برنامه چهارم توسعه

هنگام تدوین برنامه چهارم توسعه و پیشنهادهای ارائه شده از سوی شورای برنامه‌ریزی بخش تربیت بدنی و ورزش، به دلیل آنکه طبق آیین‌نامه بند «چ» تبصره «۷» قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۳، دستگاه‌ها مجاز بودند ۳۰ درصد اعتبارات موضوع هزینه یک درصد از اعتبارات خود را به سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند و نیز با تفکر عمومی شدن ورزش، تبصره مذکور برای ادامه در برنامه چهارم توسعه پیشنهاد شد و در نهایت مفاد آن بدون هیچ‌گونه تغییری در محتوای اصلی و صرفاً با حذف تهیه آیین‌نامه اجرایی از سوی دولت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) به تصویب رسید و ضمانت اجرایی پنج‌ساله یافت. متن بند «ب» مذکور بدین شرح است:

«کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون مجازند در طول برنامه چهارم یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور تربیت بدنی و ورزش اعم از احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌های ورزشی و فدراسیون‌های ورزشی در چارچوب سیاستگذاری با هماهنگی سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند». ضمناً در این ماده قانونی ذکر شده است:

«اماکن ورزشی خصوصی که از محل این بند کمک دریافت نموده‌اند، در صورت تغییر کاربری مکلفند وجوه دریافتی را با محاسبه نرخ تورم سنواتی مسترد نمایند و دستگاه‌های مذکور در این بند مکلفند، گزارش کامل کمک‌های انجام یافته را همه ساله



به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند».

ملاحظه می‌شود که مفاد این بند از ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه به نحوی است که میزان اعتبارات دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی مختلف مغفول مانده است و باعث شده تا برخی از دستگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ صنعتی که از اعتبارات هنگفتی برخوردار هستند از تسهیلات فراوان ناشی از یک درصد (۱٪) اعتبار بهره‌مند شوند و علاوه بر آن (با توجه به مفاد این بند) اختیار زیادی داشته باشند تا از محل مجوز مذکور به هر صورت که خود می‌خواهند در امور ورزش هزینه نمایند که علت اصلی تیم‌داری در چند رشته محدود و شکل‌گیری ورزش حرفه‌ای با هزینه گزاف محسوب می‌شود.

در ضمن هر چند که طبق قانون یاد شده دستگاه‌ها می‌توانند به سازمان تربیت بدنی یا کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها کمک کنند، به دلیل عدم الزام و نیز عدم سهمیه‌بندی در قانون، صرفاً به سازمان تربیت بدنی کمک شده است که آن نیز به علت تدوین آیین‌نامه‌ای بوده که برغم عدم تأکید و الزام در قانون، به تصویب هیئت وزیران رسیده است تا بتوانند ۳۰ درصد از اعتبارات موضوع یاد شده را به سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند که مبلغ قابل توجهی نسبت به کل هزینه‌ها از آن محل نبوده است و از طرفی در تفریح بودجه سال ۱۳۸۶ دیوان محاسبات کشور مورد نقد قرار گرفته و دارای اشکالاتی قانونی بوده است.

بنابراین در برنامه چهارم توسعه و نیز سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ دستگاه‌های اجرایی و عمدتاً دستگاه‌های صنعتی و بعضاً نظامی و انتظامی به جای پرداختن به



ورزش کارکنان خود و کمک به همگانی کردن ورزش از محل یک درصد اعتبارات مذکور، از خلأهای قانونی ذیربط به بهانه تشکیل باشگاه‌های ورزشی برای ساماندهی به ورزش کارکنان، تیم‌داری کرده و باشگاه‌های دولتی را ایجاد کرده‌اند. درحالی که باشگاه‌داری و ورزش حرفه‌ای طبق عرف بین‌المللی باید از طریق بخش خصوصی صورت گیرد (که دارای رشته‌های مختلف ورزشی است) و وظایفی مانند آموزش، تربیت ورزشکار، پشتوانه‌سازی، کشف استعداد، فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی را انجام دهند. ضمن آنکه باید کمک برای تیم‌های ملی هر کشور بوده، از آن طریق، تقویت تیم‌های ملی و ارتقای مقام‌های بین‌المللی ورزشی صورت گیرد که متأسفانه از محل اعتبارات دولتی در طی سال‌های مذکور چنین نشده است و علاوه بر آن پیامدهای نامناسبی در ورزش ایجاد شده و باعث بداخلاقی‌های ورزشی، رواج خرید و فروش بازیکنان با هزینه کلان و بهره‌گیری از دست‌رنج دیگر باشگاه‌ها به جای تربیت ورزشکار شده است و در کنار آن پدیده دل‌بازی و افزایش روزافزون قیمت بازیکنان و به‌خصوص در رشته فوتبال شده است. این درحالی است که طبق نظر کارشناسان قیمت‌ها کاذب بوده و به هیچ عنوان ورزشکاران قابل قیاس با ورزشکاران حرفه‌ای در دیگر کشورها نیستند و علت آن هزینه از خزانه دولت است و اگر باشگاه‌ها خصوصی باشند، چنین پرداخت‌هایی برای چنین بازیکنانی صورت نخواهد گرفت. متأسفانه، تدریجاً پول‌طلبی به دیگر افراد هم درحال سرایت است که چنانچه این روند ادامه یابد، هرساله هزینه‌ها بیشتر شده و باید از بیت‌المال تأمین شود. درحالی که ورزش کشور برای حل مشکلات نیاز به اعتبارات بیشتری دارد و از طریق این نوع باشگاه‌ها و



ورزش حرفه‌ای، اعتبارات صرف تعدادی محدود از ورزشکاران و مربیان و دست‌اندرکاران می‌شود و این درحالی است که سازمان تربیت بدنی و نهادهای دیگر ورزشی و فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی استان‌ها برای انجام فعالیت‌ها، با کمبود بودجه مواجه هستند.

### دیدگاه‌ها

به‌منظور اجتناب از اعمال سلیق محدود در بررسی موضوع و بهره‌گیری از نظرات مختلف و شناخت دقیق نقاط قوت و ضعف اجرای بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، از دیدگاه‌های کارشناسان و از نظرهای مسئولان برخی از باشگاه‌های خصوصی بزرگ و با سابقه و برخی از باشگاه‌های دولتی و نیز تعدادی از مسئولان سابق و حال سازمان تربیت بدنی و همچنین برخی از کارشناسان فدراسیون‌ها بهره‌گیری به‌عمل آمد تا براساس آن موارد مثبت و منفی بررسی و به جمع‌بندی مناسبی منتهی شود. در این ارتباط نظرات براساس نقاط ضعف و قوت بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه به‌شرح زیر قابل توجه است.

### الف) نظرهای مبتنی بر نقاط ضعف بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه

۱. مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه در زمینه‌های هدفگذاری شده اجرایی نشده و تمامی ابعاد آن مورد توجه قرار نگرفته است و بیشتر به ورزش



حرفه‌ای و تیم‌داری معطوف شده است.

۲. تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی در قالب ورزش حرفه‌ای (ناشی از قانون یاد شده) تناسبی با حرفه‌ای‌گری ورزش در دیگر کشورها ندارد و منطبق بر تعریف آن نیست.

۳. هزینه‌های کلان انجام شده از محل تسهیلات این قانون، باعث همگانی شدن ورزش کشور نشده و تماشاگر را بیشتر کرده است که این با سیاست اصلی ورزش دایر بر جذب ورزشکار، مغایر است.

۴. مناسب است هزینه‌های فراوان از بیت‌المال برای تیم‌داری، صرف جذب مردم و به‌خصوص جوانان به امر ورزش کشور به امر ورزش شود.

۵. با تزریق اعتبارات دولتی و رونق یافتن تیم‌داری حرفه‌ای، برغم انتظار، پیشرفت و ارتقای مقام‌های بین‌المللی رسمی مانند بازی‌های المپیک، ورود به جام جهانی فوتبال و حتی کسب مقام در مسابقات فوتبال جام باشگاه‌های آسیا، حاصل نشده است.

۶. با وجود حرفه‌ای شدن ورزش، تربیت داور، مربی و بازیکن تراز اول حاصل نشده و نتوانسته‌ایم در حد انتظار و مانند باشگاه‌های حرفه‌ای دیگر کشورها، صادرات نیروی انسانی فنی در زمینه ورزش داشته باشیم تا از آن طریق درآمدزایی برای کشور صورت گیرد.

۷. در شرایطی که بسیاری از جوانان بیکار یا در صورت اشتغال حقوق ناچیزی دریافت می‌کنند، پرداخت‌های کلان به تعدادی محدود ورزشکار و مربی به بهانه توسعه ورزش منطقی نبوده و باعث اختلاف طبقاتی می‌شود که عادلانه نیست.

۸. پرداخت‌های کلان به ورزشکاران و مربیان در شرکت‌های صنعتی و



کارخانجات دولتی که از بدنه آنها نیستند، باعث دلسردی کارکنان و کارگران شده، و تأثیر منفی در تولید دارد.

۹. ایجاد فساد، بداخلاقی و مسائل پشت پرده ناشی از این نوع حرفه‌ای‌گری در ورزش وجود دارد و در صورت ادامه این نوع فعالیت‌ها از اعتبارات دولتی، تضعیف فرهنگ و اخلاق را در جامعه به‌همراه خواهد داشت.

۱۰. پرداخت‌های بی‌ضابطه به ورزشکاران حرفه‌ای، باعث دلسردی طبقات تحصیل‌کرده و نخبگان نیز می‌شود و علاوه‌بر آن ورزشکاران دیگر رشته‌های ورزشی در مقایسه خود با ورزشکاران صاحب درآمد بالا، نیز احساس تبعیض خواهند نمود.

۱۱. الزام دستگاه‌های اجرایی به هزینه کردن یک درصد از اعتبارات خود برای ورزش (در شرایطی که با مشکل اعتباری مواجه هستند)، منطقی نیست و اگر قرار است اعتباراتی اختصاص یابد، بهتر است در بودجه سالیانه دولت بدون چنین الزامی صورت گیرد.

۱۲. توسعه این نوع ورزش حرفه‌ای که مغایرت با باشگاه‌های خصوصی دارد، سبب افزایش هر ساله نرخ‌های بازیکنان و مربیان و دست‌اندرکاران می‌شود و ادامه وضعیت موجود باعث بروز مشکل و تعهد برای دولت خواهد شد.

۱۳. حمایت‌های مالی دولت از چند رشته ورزشی و تیم‌های مربوطه به بهانه برگزاری بازی‌های لیگ برتر، باعث عدم تشکیل تیم‌های دیگر در استان‌ها و شهرستان‌ها که قادر به اتصال خود به اعتبارات دولتی نیستند شده است، درحالی که لیگ‌های ورزشی اگر ساماندهی شود قادر خواهند بود به‌صورت خودکفا و با داشتن





حامیان مالی فعالیت کنند و هزینه‌ها نیز تقلیل می‌یابد.

۱۵. بهتر است به جای تربیت تماشاگر به بهانه سرگرمی مفید و پر کردن اوقات فراغت، زمینه تربیت ورزشکار در سطح عمومی از محل اعتبارات مذکور انجام شود که در واقع هدف اصلی بند «ب» ماده (۱۱۷) بوده است.

### ب) نظرات مبتنی بر نقاط قوت بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه

علاوه بر نظرات یاد شده قبلی که بیشتر بر موارد منفی ناشی از تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی تأکید دارد، برخی کارشناسان نظریاتی را مطرح می‌کنند که بیانگر نقاط قوت موضوع بوده و دل‌نگرانی از عدم اختصاص اعتبار از سوی دولت برای باشگاه‌ها و تیم‌ها را بیان می‌کند. این نظرها به شرح زیر هستند:

۱. عدم اختصاص اعتبارات دولتی باعث تعطیلی باشگاه‌های تازه تأسیس می‌شود و ورزش حرفه‌ای رونق خود را از دست خواهد داد.

۲. راهکارهایی برای خصوصی شدن باشگاه‌های دولتی تدوین نشده است، از این رو بهتر است ابتدا سازوکار آن در قالب قوانین مربوطه به تصویب برسد و با ایجاد تسهیلات لازم و میان‌مدت امکان رشد بخش خصوصی و حذف تدریجی باشگاه‌های دولتی فراهم شود. در غیر این صورت باشگاه‌ها تعطیل خواهند شد.

۳. قطع اعتبارات دولتی برای ورزش حرفه‌ای موجود کشور، به صلاح تیم‌های ملی رشته‌های مختلف نبوده و تضعیف خواهند شد.

۴. ورزش حرفه‌ای در دیگر کشورها تحت حمایت صنایع اداره می‌شوند که البته



منافع دوجانبه است. بنابراین در ایران که صنایع مختلف اکثراً دولتی هستند، ورزش حرفه‌ای آن نیز دولتی خواهد بود و تغییر جهت وقتی امکان دارد که صنایع دولتی نیز خصوصی شوند.

۵. وجود اعتبارات دولتی برای تقویت ورزش حرفه‌ای به دلیل پرهزینه بودن و عدم توان هزینه از طریق بخش خصوصی در کوتاه‌مدت (تا ایجاد بسترهای لازم) ضروری است. لکن باید با تدوین قوانین خاص سلاقی مدیران به حداقل برسد و نظارت قانونی وجود داشته باشد تا مشکلات برطرف و تدریجاً امکان ایجاد درآمد برای باشگاه‌های دولتی فراهم و واگذاری آنها مقدور شود.

۶. خصوصی‌سازی و حذف اعتبارات دولتی به باشگاه‌ها، نیازمند فرآیندی میان‌مدت است و مشارکت همه مسئولان اقتصادی را نیاز دارد.

۷. برای جذب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ورزش، باید امنیت قانونی در قالب تصویب قوانین صورت گیرد و تا این مهم انجام نشود، جذب بخش خصوصی مقدور نخواهد بود.

۸. تا جهت‌گیری کلان ورزش صورت نگیرد و اصلاحات جدید در سیاستگذاری انجام نشود، حمایت از باشگاه‌های دولتی ضروری است و در غیر این صورت ورزش کشور لطمه خواهد دید.

۹. عملکرد نامناسب فوتبال حرفه‌ای در هزینه نمودن اعتبارات دولتی قابل تعمیم به دیگر رشته‌ها نیست و نباید باعث حذف اعتبارات برای دیگر تیم‌های ورزشی فعال شود. ضعف موجود، قابل رفع از طریق سیاستگذاری و نظارت بر باشگاه‌های دولتی در برنامه پنجم خواهد بود.



۱۰. باشگاه‌های ورزشی پایه پیشرفت ورزش کشورها و عامل تشویق و جذب جوانان به ورزش هستند، لذا تا باشگاه‌های خصوصی ایجاد نیابند، یا توسعه ضرورت کمک به فعالیت‌های باشگاه‌های دولتی وجود دارد.

علاوه بر نظارت مثبت و منفی درباره مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، نظرهای مختلفی نیز از سوی کارشناسان و متخصصین و دست‌اندرکاران بخش خصوصی و دولتی مطرح شده که توجه به آن در زمینه ورزش حرفه‌ای مفید است، خلاصه این نظرات به شرح زیر است:

۱. لزوم برقراری سیستم و نظام نظارتی برای عموم باشگاه‌های خصوصی و دولتی با رویکرد جلوگیری از ایجاد باشگاه‌های جدید دولتی و تقویت باشگاه‌های خصوصی موجود.

۲. تفکیک و دسته‌بندی باشگاه‌های حرفه‌ای با رویکرد بررسی وضعیت باشگاه‌های بزرگ موجود خصوصی و ایجاد امکان رشد آنها که به علت هزینه‌های بالای ایجاد شده تیم‌داری از طریق دولت تمایلی به حضور در لیگ‌ها ندارند.

۳. با توجه به واگذاری تدریجی شرکت‌های دولتی (که بعضاً صورت گرفته است)، چنانچه باشگاه‌های ایجاد شده دولتی نیز واگذار نشوند، ناگزیر منحل خواهند شد. لذا ضروری است هر چه سریع‌تر باشگاه‌های فعلی واگذار شوند.

۴. به جای ایجاد تسهیلات نقدی برای باشگاه‌های دولتی بهتر است، از محل اعتبارات دولتی زیربناهای ورزشی ایجاد و از طریق پرداخت وام‌های بلندمدت، امکاناتی برای حفظ و توسعه نظام باشگاه‌داری منطبق با معیارهای جهانی به شکل‌ها و تعاونی‌ها واگذار شود تا باعث حفظ سرمایه و درآمدزایی برای باشگاه‌ها شده و از



اتصال آنها به دولت جلوگیری شود.

۵. چنانچه باشگاه‌های فعلی دولتی واگذار و کمک‌های دولت از محل بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه قطع شود، مدیران، بین درآمد و تعهدات رابطه‌ای متعادل ایجاد خواهند کرد و نرخ‌ها متناسب با توانایی‌ها خواهد شد. درحالی که اکنون به علت دسترسی آسان به پول و نبود نظارت کافی، چنین نیست.

۶. رویکرد ورزش به سمت خصوصی شدن باشگاه‌ها با مقاومت و بعضاً تبلیغات منفی همراه است که بیشتر از سوی کسانی است که دیدگاه سنتی دارند. درحالی که با قطع اعتبارات دولت و حذف بند «ب» ماده (۱۱۷)، تغییر رویکرد اقتصادی در ورزش حرفه‌ای ایجاد خواهد شد و با تقویت کادر مدیریتی قوی که نگاه همه‌جانبه در جهت توسعه ورزش داشته باشند، مشکلی ایجاد نخواهد شد. لکن ضروری است امور انتقالی به صورت مرحله‌ای انجام شده و اعتبارات دولتی تدریجاً حذف شود.

۷. از راهکارهای منطقی برون‌رفت تدریجی از مشکلات موجود تیم‌داری دولتی و تقویت بخش خصوصی، تعیین سقف اعتبار از محل بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه است تا دستگاه‌هایی که یک درصد اعتبار آنها مبالغ گزاف و قابل توجهی می‌شود، قادر به پرداخت هزینه‌های هنگفت به بازیکنان و دست‌اندرکاران نشوند و وضعیت متعادل و قابل رقابت برای بخش خصوصی شود.

۸. ضروری است دولت در سال اول برنامه پنجم به تدوین و تصویب نظام حرفه‌ای‌گری در ورزش مکلف شود. در این صورت، امکان جهت‌دهی ورزش حرفه‌ای دولتی به خصوصی مقدور خواهد شد.



۹. باشگاه‌های خصوصی نیاز به اقتصاد پایدار و درآمدهای پایدار دارند. برای این منظور، نیاز است تا در برنامه پنجم به پرداخت حق پخش تلویزیونی (که بالاترین درآمد برای باشگاه‌ها محسوب می‌شود)، توجه و قانونمند شود. آنگاه دیگر درآمدها مانند کپی رایت، تبلیغات، تولید لباس و کالاهای ورزشی و ایجاد امکانات عمرانی برای باشگاه خصوصی مقدور خواهد شد و انگیزه سرمایه‌گذاری ایجاد و تدریجاً باشگاه‌های دولتی به خصوصی تبدیل خواهند شد. در این صورت می‌توان کمک‌های بند «ب» ماده (۱۱۷) را از برنامه حذف نمود.

۱۰. واگذاری باشگاه‌های دولتی و خصوصی‌سازی در ورزش و نیز جلوگیری از کمک‌های موضوع بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، هر چند ابتدا با مشکلاتی مواجه خواهد شد، لکن امری ضروری است که اگر صورت نگیرد و این امر در جهت سیاست‌های کلی دولت واقع نشود، قطعاً ورزش کشور از تحولات منطقه‌ای دور خواهد ماند و در آینده اجباراً براساس قوانین جهانی این امر تحقق خواهد یافت که در آن صورت باعث زیان بیشتر می‌شود. شاهد موضوع، تغییر اساسنامه در فوتبال کشور و تعلیق آن فدراسیون به دلیل دخالت دولت است که مشابه آن برای باشگاه‌های دولتی نیز امکان دارد.

۱۱. اصولاً تکلیف به هزینه نمودن یک درصد اعتبارات (۱٪) از اعتبارات دستگاه‌های اجرایی برای ورزش از احکام تعهدآور بودجه‌ای است و چنانچه عملکرد ضعیفی داشته باشد و تصمیم به اصلاح یا حذف آن از برنامه پنجم گرفته شود نیازمند دو سوم آرا در مجلس شورای اسلامی است که با مشکل مواجه خواهد بود. بنابراین بهتر است (در صورت تصمیم به کمک) در قوانین بودجه



سنواتی مورد نظر قرار گیرد تا امکان نظارت کیفی و مالی وجود داشته باشد.

۱۲. نظام مدیریتی باشگاه‌های دولتی، مدیریت هزینه است و نه مدیریت عملکرد. لذا مشاهده می‌شود برخی تیم‌های حاضر در لیگ‌های ورزشی، برغم عدم کسب مقام مناسب، در سال‌های بعد همواره از اعتبارات دولتی بهره‌مند می‌شوند. در حالی که مدیریت در بخش خصوصی براساس رقابت و افزایش بهره‌وری بوده و به همین دلیل منجر به توسعه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی می‌شود.

۱۳. چنانچه اعتباراتی که از محل بند «ب» ماده (۱۱۷) برنامه چهارم توسعه صرف تیم‌داری دولتی می‌شود، در جهت تقویت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت تسهیلات بلندمدت صورت گیرد، ورزش‌های پایه و دیگر رشته‌ها تقویت می‌شوند و از آن طریق همگانی شدن ورزش و توسعه و پیشرفت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نیز صورت خواهد گرفت و رشد به چند رشته ورزشی محدود نمی‌شود.

۱۴. با توجه به وجود قوانین بالادستی، مانند بند «ن» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، مبنی بر اجرای صد درصد (۱۰۰٪) فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای توسط بخش خصوصی در پایان برنامه و ضرورت ابقای این حکم در برنامه پنجم یا سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و نیز اصل چهل و چهارم قانون اساسی، با تصویب آیین‌نامه‌ای در دولت امکان واگذاری باشگاه‌های دولتی امکانپذیر است. در این صورت مشکلات ناشی از حذف تسهیلات بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه نیز برطرف خواهد شد.



## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن عملکرد حرفه‌ای شدن ورزش از محل اعتبارات بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه و نظرات کارشناسان و دست‌اندرکاران و مسئولان ورزشی، ملاحظه می‌شود که اصولاً ورزش حرفه‌ای باید مطابق با عرف بین‌المللی آن از طریق بخش خصوصی صورت گیرد و حرکت‌های انجام شده در سال‌های اخیر باعث وابستگی آن به دولت شده و مسائل مختلفی را ایجاد کرده است که حاکی از اتصال بیشتر هر ساله ورزش به دولت است و مغایر با بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه مبنی بر مکلف شدن دولت برای انجام ۱۰۰ درصد از فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای در پایان برنامه بوده و از طرف دیگر اجرایی شدن اصل چهارم و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص ورزش را با مشکل مواجه می‌کند. این وابستگی وقتی بیشتر قابل توجه است که هزینه‌های هنگفت دولتی اکثراً صرف تعدادی محدود از ورزشکاران و تیم‌ها می‌شود که در رأس آن تیم‌های فوتبال قرار دارند و نه تنها حاصل مناسبی نیز در زمینه‌های بین‌المللی نداشته است، بلکه عدم کسب سهمیه حضور در جام جهانی فوتبال یا حذف چهارم تیم باشگاهی کشور از مسابقات جام باشگاه‌های آسیا مؤید آن است.

اصولاً اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران با خصوصی‌سازی ورزش موافق بوده و بر این عقیده هستند که ورزش حرفه‌ای باید از طریق بخش خصوصی صورت گیرد و کمک‌های دولت نیز در جهت تقویت بخش خصوصی به صورت تسهیلات بلندمدت انجام شود تا از انزوا در آمده و قادر به فعالیت‌های زیربنایی در ورزش کشور شوند.



درحالی که اکنون توان رقابت را با دولت نداشته و باشگاه‌های بزرگ با مشکلات فراوانی روبرو شده‌اند که علت آن حرفه‌ای شدن دولتی ورزش است.

در بررسی‌ها صورت گرفته، در مجموع، سه نوع نظر جلب توجه می‌کند. گروهی بر نقاط منفی اجرای بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه تأکید دارند و گروهی بر نقاط مثبت و گروهی نیز موافق اجرای این قانون و ادامه آن به صورت کنونی نیستند، لکن نگرانی‌هایی را برای حذف اعتبارات آن بدون ایجاد ضوابط و معیارهای تقویت و جذب بخش خصوصی دارند و با تأیید خصوصی شدن باشگاه‌های دولتی و ارائه برخی از راهکارهای آن، جانب احتیاط را در نظر می‌گیرند و خواهان تصویب قوانین اجرایی لازم هستند.

مخالفین قانون مذکور معتقدند که ماهیت این قانون برای تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی نبوده و با هدف همگانی کردن ورزش به تصویب رسیده است. لکن در اجرا به علت نبود ضوابط مورد نیاز و بی‌توجهی به آن در طول برنامه، به سوی تیم‌داری و باشگاه‌داری دولتی هدایت شده است و در این مسیر تعدادی محدود ورزشکار حرفه‌ای و مربی و غیره به مبالغ کلان دست یافته‌اند و تدریجاً پاره‌ای مسائل اخلاقی و فرهنگی ایجاد شده است که در صورت ادامه در برنامه پنجم، مشکلات، دو چندان خواهد شد. این گروه هزینه کردن از بیت‌المال برای تعدادی محدود ورزشکار را ناعادلانه دانسته و با تکیه بر عملکرد نامطلوب در سال‌های اخیر در میادین بین‌المللی و نیز منزوی شدن باشگاه‌های خصوصی بزرگ به علت عدم توان رقابت با بخش دولتی، خواهان حذف بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه هستند و ابقای آن را به مصلحت ورزش کشور نمی‌دانند. ضمن آنکه عقیده دارند که اعتبارات هزینه



شده کلان در قالب باشگاه‌های دولتی، بیشتر صرف چند رشته پرتفردار ورزشی و در رأس آنها فوتبال صورت یافته است و به‌جای تربیت ورزشکار، تماشاگران ورزشی زیاد شده‌اند. درحالی که با تسهیلات قانون یاد شده امکان توسعه ورزش کشور وجود داشته است و اگر در جهت همگانی کردن، هزینه می‌شد، قهرمانان زیادی نیز به‌وجود می‌آمدند. جالب توجه است که باشگاه‌های خصوصی بزرگ و باسابقه که از مخالفان اجرای این قانون به شکل فعلی هستند، نرخ بازیکنان دولتی را واقعی نمی‌دانند و علاوه‌بر آن بسیاری از کارشناسان با تزریق اعتبارات دولتی برای باشگاه‌داری دولتی و تیم‌داری مخالف بوده و معتقدند بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه باید حذف شود و اگر قرار است کمک‌های دولتی به ورزش صورت گیرد، بهتر است در بودجه سنواتی این امر انجام شود تا از فرصت‌طلبی و سودجویی و خلأهای قانونی جلوگیری شده و موضوع، قابل نظارت مالی و ارزیابی شود.

گروهی از کارشناسان که بر نقاط قوت بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم تأکید دارند معتقدند عدم تزریق اعتبارات دولتی برای ورزش حرفه‌ای باعث تعطیلی باشگاه‌های دولتی می‌شود و رونق ورزش را (که چند سالی است بیشتر شده است)، کمرنگ می‌کند. این کارشناسان، باشگاه‌های ورزشی را اساس توسعه ورزش می‌دانند و معتقدند تا جهت‌گیری و سیاستگذاری‌های لازم درخصوص حمایت از بخش خصوصی صورت نگیرد، اعتبارات دولتی باید باقی بماند و در این راه نیاز به ایجاد امنیت قانونی با تصویب قانون در برنامه پنجم وجود دارد. ضمن آنکه ضروری است ابتدا تسهیلات و احکام قانونی لازم برای جذب بخش خصوصی در برنامه پنجم به



تصویب برسد و حذف باشگاه‌های دولتی از طریق واگذاری به دست‌اندرکاران در میان‌مدت انجام شود تا لطمه‌ای به ورزش کشور زیانی متوجه تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف ورزشی نشود. همچنین کارشناسان معتقدند که نباید عملکرد نامناسب فوتبال حرفه‌ای و پرهزینه بودن آن را به دیگر رشته‌ها تعمیم داد و می‌توان آن را اصلاح کرد و در ضمن با قبول آنکه اصولاً در دیگر کشورها ورزش حرفه‌ای مورد حمایت صنایع آن کشورهاست، بر این نظر هستند که چون شرکت‌های صنعتی ایران نیز اکثراً دولتی هستند، طبیعی است که ورزش حرفه‌ای نیز دولتی باشد.

همان‌طور که ذکر شد، برخی دیگر از صاحب‌نظران، ضمن تأکید بر ضرورت برون‌رفت از وضعیت فعلی باشگاه‌داری و تیم‌داری دولتی در کشور، بیشتر تأکید بر راهکارهای لازم برای حذف اعتبارات دولتی دارند. در این زمینه برقراری سیستم نظارتی برای عموم باشگاه‌های خصوصی و دولتی و جلوگیری از تشکیل باشگاه‌های جدید دولتی، تفکیک و دسته‌بندی هر یک از باشگاه‌های حرفه‌ای برای حضور بخش خصوصی، کمک میان‌مدت به باشگاه‌های دولتی با عملکرد مناسب، واگذاری اماکن ورزشی و زیرساخت‌ها به باشگاه‌های فعلی به‌جای کمک‌های نقدی، تشکیل تعاونی‌ها و تشکل‌ها برای واگذار نمودن باشگاه‌های ایجاد شده از نکات راهبردی آنان بوده، معتقدند از دلایل عدم واگذاری باشگاه‌های دولتی به بخش خصوصی، مقاومت مدیران و دسترسی آسان به پول است که در صورت تکلیف قانونی در برنامه پنجم، مشکل بر طرف خواهد شد و با ایجاد تسهیلات مناسب، باشگاه‌ها به درآمد پایدار خواهند رسید. این گروه معتقدند نظام مدیریتی باشگاه‌های دولتی، مدیریت هزینه است و نه عملکرد که مغایر با نظام حرفه‌ای‌گری در جهان است و در صورت ادامه وضع،



هرساله موضوع با مشکلات بیشتری برای دولت همراه خواهد بود. لذا جلوگیری از کمک‌های موضوع بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم و جهت‌دهی آن برای عمومی کردن ورزش از ضروریات بوده و در این صورت ورزش‌های پایه و دیگر رشته‌ها تقویت خواهند شد. ضمن آنکه با ایجاد تسهیلات از محل اعتبارات دولتی ضابطه‌مند، بخش خصوصی انگیزه حضور بیشتری خواهد داشت و آنگاه ورزش حرفه‌ای همانند دیگر کشورها با خودکفایی، فعالیت خواهد کرد. برای داشتن ورزش حرفه‌ای از طریق بخش خصوصی باید توجه به درآمدزایی صورت گیرد که از مهمترین آنها، حق پخش تلویزیونی است. در این رابطه چنانچه دولت زیرساخت‌های لازم، مانند اماکن ورزشی مناسب را در قبال بازپرداخت هزینه در بلندمدت در اختیار باشگاه‌ها قرار دهد و در قانون برنامه پنجم بر واگذاری حق پخش تلویزیونی به باشگاه‌ها تأکید شود، می‌توان اعتبارات دولتی را حذف نمود و باشگاه درآمدزا شده، مشکلی ایجاد نخواهد شد.

آنچه در پایان نتیجه‌گیری می‌توان استنباط کرد، آن است که اکثر کارشناسان و دست‌اندرکاران ورزشی کمک به ورزش کشور را ضروری می‌دانند. لکن نه به صورت کنونی ناشی از اجرای مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، بلکه با داشتن معیارها و ضوابط قانونی مشخص و در قالب تعیین سهمیه برای هر یک از فعالیت‌های ورزشی و آن نیز پس از تعیین اهداف مصوب و قابل اجرا. ضمن آنکه ادامه وضعیت فعلی ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری را در برنامه پنجم زیان‌آور می‌دانند و رشد پول‌مداری در ورزشکاران را مانع از توسعه ورزش و رسیدن به اهداف بلندمدت اصل چهارم قانون اساسی و دیگر قوانین بالاسری برای خصوصی‌سازی در



ورزش حرفه‌ای و قهرمانی می‌دانند و برای داشتن ضوابط قابل نظارت و ارزیابی از محل اعتبارات دولتی، بر این عقیده‌اند که کمک‌ها باید در قوانین بودجه به تصویب برسد یا لاقلاً در برنامه پنجم با تعیین سهمیه فعالیت‌های ورزشی عدالت نیز رعایت شود و رشد همه‌جانبه ورزش و نه صرفاً ورزش حرفه‌ای تضمین شود.

### پیشنهادهای

با در نظر داشتن نظرات مختلف و مشکلات و موانع ایجاد شده برای حرفه‌ای شدن ورزش کشور به صورت واقعی و مشابه دیگر کشورها که از نبود ضوابط مشخص در بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه ناشی شده است و نیز در اجرای اصل چهارم قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، پیشنهادهای ذیل قابل بررسی است:

۱. با توجه به حکم بودجه‌ای مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، از ادامه آن در برنامه پنجم پیشرفت و عدالت به صورت فعلی جلوگیری به عمل آید و کمک‌های دولت برای توسعه ورزش بدون الزام دستگاه‌های اجرایی از طریق قوانین بودجه سنواتی با تعیین سهمیه برای هر فعالیت صورت گیرد، تا امکان برنامه‌ریزی در ابتدای هر سال برای تمامی فعالیت‌ها به دلیل آگاهی از میزان اعتبارات میسر و نظارت و ارزیابی نیز مقدور شود. برای این منظور با برآورد اعتبار از محل یک درصد بودجه دستگاه‌ها، امکان تصویب آن در قانون بودجه وجود خواهد داشت.
۲. چنانچه مقرر شود تا برخی از فعالیت‌های ورزشی از محل یک درصد



اعتبارات دستگاه‌های اجرایی در برنامه پنجم ادامه یابد، پیشنهاد می‌شود برای هریک از فعالیت‌ها مانند ورزش قهرمانی، ورزش همگانی (عمومی کردن)، ورزش مدارس و دانشگاه‌ها، ورزش حرفه‌ای و خصوصی‌سازی، آموزش و پژوهش‌های ورزشی، ورزش جانبازان و معلولان، ورزش بانوان و هزینه‌های سرمایه‌ای (عمرانی)، سهمیه مشخصی به صورت درصدی از اعتبارات مذکور تعیین شود و سازمان تربیت بدنی به عنوان متولی و مسئول ورزش کشور، موظف به مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری شود.

**ضمناً علاوه بر موارد فوق الذکر، پیشنهادهای ذیل جهت برون رفت از وضعیت فعلی باشگاه‌داری دولتی در طول برنامه پنجم نیز قابل توجه است.**

۳. مفاد بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه مبنی بر اجرای فعالیت‌های ورزش قهرمانی به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) و ورزش حرفه‌ای به میزان صد درصد (۱۰۰٪) در طول برنامه، در برنامه پنجم پیشرفت و عدالت ابقا شده و صرفاً زمان اجرای آن به دو سال تقلیل یابد.

۴. به منظور تقویت باشگاه‌داری ورزشی از طریق بخش خصوصی و بالا بردن توان رقابتی آنها با باشگاه‌های دولتی از یک سو و ایجاد زمینه جذب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در ورزش از سوی دیگر و نیز حذف تدریجی باشگاه‌داری دولتی، طبق یک ماده قانونی در برنامه پنجم، دولت موظف به پرداخت تسهیلات بلندمدت در قالب سقف اعتباری معین برای باشگاه‌های خصوصی و با الزام حضور فعال در ورزش حرفه‌ای شود و زمان بازپرداخت پس از گذشت ۳ سال از دریافت تسهیلات تعیین و تا خودکفایی حاصل شده و مشکلی ایجاد نشود.



۵. دولت موظف به واگذاری برخی از مجموعه‌های ورزشی نسبتاً بزرگ و مناسب اجرای فعالیت‌های ورزشی حرفه‌ای به باشگاه‌های دولتی فعلی (پس از ایجاد شکل‌های ورزشی و یا تعاونی) شود و این باشگاه‌ها پس از یک دوره پنج‌ساله ملزم به پرداخت قیمت کارشناسی شده مجموعه‌های مذکور در اقساط میان‌مدت شوند و در این صورت باشگاه‌های دولتی تبدیل به خصوصی می‌شوند و به علت داشتن ورزشگاه و مدیریت عملکرد به درآمدزایی خواهند رسید و کمک‌های هرساله دولت نیز قطع خواهد شد.

۶. سازمان تربیت بدنی ملزم به تدوین و تصویب نظام ورزش حرفه‌ای در سال اول برنامه پنجم شود و دستگاه‌های دولتی صرفاً برای مدت دو سال قادر به هزینه‌کرد از محل اعتبارات خود برای باشگاه‌داری شوند تا در این مدت، نظام ورزش حرفه‌ای کشور به غیردولتی تبدیل شود.

### منابع و مأخذ

۱. قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۳.
۲. قانون برنامه چهارم توسعه.
۳. قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی.
۴. قانون اجازه تأسیس باشگاه‌های ورزشی توسط مردم و با نظارت دولت.
۵. گزارش‌های نگاهی به «وضعیت باشگاه‌داری در حوزه ورزش کشور و فوتبال در نظام باشگاه‌داری» از نشریات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. بهره‌گیری از نظرات برخی کارشناسان و مسئولان ورزشی کشور.



## شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۰۵۷

عنوان گزارش: ۴۴. بررسی تأثیر اجرای مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه بر ورزش حرفه‌ای

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: ابوالفضل خورشیدی

همکاران: مرتضی شکوهی، مریم خورشیدی، با بهره‌گیری از نظرات برخی کارشناسان ورزشی (باشگاه‌های خصوصی و دولتی، مسئولان ورزشی قبلی و فعلی، مسئولان فدراسیون‌های ورزشی و پیشکسوتان)

ناظر علمی: مهدی ادیبان

متقاضی: احمد توکلی (رئیس مرکز پژوهش‌ها)

ویراستار ادبی: نرگس کلاکی

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. ورزش
۲. باشگاه‌های دولتی
۳. باشگاه‌های خصوصی
۴. ورزش حرفه‌ای
۵. قانون

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۰/۲۸